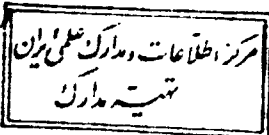


دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق



۱۳۷۵ / ۴ / ۲۷

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع

آثار گذشت شاکی در جرائم ارتكابی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر منوچهر خزانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد علی اردبیلی

نگارش:

محمد جعفر آزادی طلب

خرداد ماه ۱۳۷۵

۷۵,۴,۳۰۵۵

۱۰۰۹

تقدیم به ؛

پدر و مادرم که اولین الفبای زندگی را به من آموختند

و

همسرم که با تحمل سختی‌ها مرا در این راه یاری نمودند

۱۰۰۹

پیشگفتار

بنام آنکه جان را فکرت آموخت

حمد و سپاس خدایی را سزد که آدمی را قوه تعقل و تفکر عطا نموده تا بتواند راه خیر و شر و سعادت و شقاوت را تشخیص داده و در مسیر صراط مستقیم الی الله گام بردارد.

از خداوند منان سپاسگزارم که حقیر را توفیق کسب دانش مرحمت فرمود تا بتوانم به اندازه استعداد و توانایی ناچیز خویش، از مواهب الهی بهره مند شوم.

بعد از حمد و ثنای پروردگار، لازم می‌دانم مختصری راجع به موضوع تحقیق و روند کار آن صحبت نمایم. در دوره‌های عالی تحصیلات دانشگاهی مرسوم است تا دانشجو با ارائه تحقیق مفصلی که «پایان نامه» «رسال» و یا «تیز» خوانده می‌شود به تحصیلات خویش پایان بخشیده و با دفاع از آن موفق به طی دوره گردد. بدین جهت و در

متابعت از این قاعده نگارنده نیز پس از خاتمه دروس نظری موضوعات چندی را به محضر گروه محترم حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ارائه نمود که از آن میان موضوع «تأثیر گذشت شاکی در جرائم ارتكابی» مورد قبول اساتید محترم قرار گرفته و بعنوان موضوع رساله اینجانب تعیین گردید که پس از آن بطور جدی آنرا دنبال نمودم.

در این زمینه، منابع بسیاری اعم از کتب و نشریات و آراء مختلف که بنحوی با موضوع ارتباط داشت، مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت و علاوه بر آن از نظریات حقوقدانان بویژه اساتید محترم گروه حقوق جزا و جرم شناسی بهره فراوان گرفتم. لذا در اینجا فرصت را غنیمت شمرده و بنا به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» برخوردار فرض می‌دانم که از زحمات بی‌دریغ همه این بزرگواران خصوصاً جناب دکتر منوچهر خزانی که با نهایت لطف و مهربانی راهنمایی حقیر را قبول فرموده و با راهنماییهای بسیار ارزنده و موثر خود مرا یاری کردند و جناب دکتر محمد علی اردبیلی که با نظرات صائب و مشورتی خود مشوقم در این مقطع تحصیلی و نگارش پایان نامه بوده و جناب دکتر رضا نوریها که همیشه با فداکاریهای بی‌شائبه خویش مرا به تحصیل امیدوارتر نموده قلباً تقدیر و تشکر نمایم.

«من الله التوفیق»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
	بخش اول: مفهوم گذشت در فرایند کیفری
۱۲.....	فصل اول: گذشت و شروط آن
۱۳.....	گفتار اول: گذشت شاکی و مبنای آن
۱۳.....	الف - مفهوم گذشت
۱۳.....	اول - مبنای اجتماعی
۱۵.....	دوم - مبنای قانونی
۱۷.....	ب - شاکی کیست؟
۲۱.....	ج - چگونگی احراز گذشت
۲۳.....	گفتار دوم: شروط گذشت
۲۳.....	الف - گذشت باید بعد از وقوع جرم باشد
۲۴.....	ب - منجز بودن گذشت
۲۵.....	ج - گذشت باید از سوی کسی باشد که قانوناً بتواند اعلام گذشت نماید
۲۶.....	د - جرم قابل گذشت باشد
۲۸.....	مفهوم حق... و حق الناس
۳۶.....	فصل دوم: گذشت قبل و بعد از صدور حکم
۳۷.....	گفتار اول: قبل از صدور حکم
۳۷.....	الف - در سیستمی که دادسرا وجود دارد

- اول - در مرحله رسیدگی ۳۸
- دوم - در تصمیمات دادگاه ۴۲
- ب - در سیستمی که دادسرا وجود ندارد ۴۴
- ج - گذشت بعد از صدور حکم ۴۶
- گفتار دوم: آثار گذشت ۴۹
- الف - سقوط دعوی و مجازات ۴۹
- ب - تخفیف مجازات ۵۱
- ج - محو آثار محکومیت ۵۲
- د - مسموع نبودن عدول از گذشت ۵۲
- بخش دوم: تأثیر گذشت در مجازاتهای موضوع ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- فصل اول: اثر گذشت در جرائم مستلزم حد ۵۵
- گفتار اول: حد و ماهیت آن ۵۶
- الف - مفهوم حد در فقه و قوانین موضوعه ۵۶
- اول: مفهوم حد در فقه ۵۷
- دوم: مفهوم حد در قوانین موضوعه ۵۸
- ب - حد، حق... است یا حق الناس ۶۲
- گفتار دوم: آیا گذشت در حدود مؤثر است ۶۵
- الف - سرقت ۶۶
- ب - قذف ۷۲

- ۷۸..... فصل دوم: اثرگذشت در قصاص
- ۷۹..... گفتار اول: مفهوم قصاص
- ۸۰..... الف - مفهوم لغوی و فقهی قصاص
- ۸۱..... ب - قصاص در حقوق موضوعه
- ۸۶..... گفتار دوم: انواع قصاص
- ۸۶..... الف - قصاص نفس
- ۹۱..... ب - قصاص عضو
- ۹۴..... گفتار سوم: اثرگذشت در قصاص
- ۹۶..... الف - قصاص حقا... است یا حق الناس
- ۹۹..... ب - گذشت در قصاص نفس و عضو
- ۱۰۳..... فصل سوم: اثرگذشت در دیات
- ۱۰۴..... گفتار اول - دیه و ماهیت آن
- ۱۰۵..... الف - مفهوم دیه در فقه و حقوق موضوعه
- ۱۱۳..... ب - دیه حقا... است یا حق الناس
- ۱۱۵..... گفتار دوم: موارد پرداخت دیه و اثرگذشت در آن
- ۱۱۵..... الف - موارد پرداخت دیه
- ۱۱۸..... ب - اثرگذشت در دیات
- ۱۲۰..... فصل چهارم: اثرگذشت در تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده
- ۱۲۱..... گفتار اول - تعریف تعزیر و مجازاتهای بازدارنده
- ۱۲۱..... الف - مفهوم تعزیر در فقه و حقوق موضوعه

- ب - مفهوم مجازات بازدارنده ۱۲۵.
- ج - تمایز تعزیر و مجازاتهای بازدارنده ۱۳۱.
- گفتار دوم: گذشت در تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده ۱۳۴.
- الف - گذشت در تعزیرات ۱۳۴.
- ب - گذشت در مجازاتهای بازدارنده ۱۴۰.
- نتیجه گیری ۱۴۵.
- منابع و مأخذ ۱۵۲.

مقدمه

از زمانی که انسان پا به عرصه جهان هستی گذاشته و خود را شناخت و برای رفع نیازهای خود به زندگی جمعی روی آورد، تصادم منافع و منازعات فردی و خانوادگی در صحنه حیات او پدیدار گشت. چرا که باید ریشه‌های اصلی این منازعات را در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. جرم و مجرم و عکس‌العمل فرد و جامعه از اصطلاحاتی است که از زمانهای قدیم مورد توجه جوامع بوده است. با بررسی تاریخ تحولات حقوق کیفری و مکاتب حقوق جزا به وضوح می‌توان پیشرفت علوم کیفری را از توجه اولیه به جرم یا مجرم به سوی مجنی علیه و بزه دیده مشاهده نمود.

در دوره‌ای که به دوره جنگهای خصوصی معروف است اجرای مجازات تابع ضابطه و قاعده‌ای نبوده و از طرف خانواده یا گروهها صورت می‌گرفت و توجهی به زیان دیده از جرم نمی‌شد. در نتیجه از آثار این دوره جز هرج و مرج چیز دیگری نمی‌توان یافت. در این زمان مجازات بیشتر مفهوم انتقام را داشت و گروه‌ها و قبائل فاتح، گروه و قبیله مغلوب را قلع و قمع می‌کردند.

در تمام زمانها و مکانها، بی‌عدالتی، ظلم، تجاوز و جرم منفور خاص و عام و حتی

منفور خود متجاوزان بوده و مورد مؤاخذه و مجازات قرار می‌گرفته‌اند. لیکن موضوع قابل توجه در این زمینه آن است که نحوه و کیفیت مجازات متخلفان از قانون و متجاوزان به حقوق و آزادی و جان و مال مردم در همه جا یکسان نبوده و بستگی تام و همه جانبه‌ای با عناصر و شرایط مختلفی از قبیل خصوصیات نژادی، اوضاع و احوال اقلیمی، گروه و نهادهای اجتماعی، نظامهای اقتصادی و سیاسی، آداب و رسوم و در نهایت آموزشهای مذهبی داشته است.

در جوامع اولیه، مجازات نه به هدف اصلاح و تربیت و بازگرداندن مجرم به آغوش جامعه، بلکه بیشتر با هدف انتقام و تشفی خاطر مجنی علیه صورت می‌گرفت و کسانی که از عمل دیگری رنج می‌بردند، سعی می‌کردند به نحوی شدیدتر آن را تلافی کنند. بردباری و تسامح و گذشت در روحیه آنان راهی نداشته و از علائم ضعف نفس و ترس و بی‌غیرتی به شمار می‌آمد.

در این دوران مجازاتها شدید و غیر انسانی بوده و تابع هیچگونه ضابطه و حد و مرزی نبود. میان مجرم و غیر مجرم چندان فرقی گذاشته نمی‌شد و کسانی که به هیچ وجه در نزاع همچون کودکان و پیرمردان شرکت نداشتند، مجازات می‌شدند، حتی حیوانات و مردگان نیز از این امر مستثناء نبوده و نعش مردگان را شلاق زده و یا می‌سوزاندند. در باب ۳۰ سفر خروج کتاب مقدس تورات آمده است: "... فرزندان را عقوبت کنم به گناه پدران تا سه عقب و چهار از بهر دشمنان من، و نعمت کنم بر هزار عقب از دوستان من."

اما به تدریج و بر اثر تحولات اجتماعی و رشد و تکامل عقلانی، انتقام فردی جای خود را به مقررات و ضوابط و بخصوص قانون قصاص داد و کوشش گردید حتی المقدور

هر کار بدی را به مقتضای طبیعت آن و بر حسب کمیت و کیفیت وقوع جرم مجازات داده و از حدود معینی تجاوز نکنند.

بطور کلی هر اندازه جامعه‌ای بدوی و عقب افتاده و بی سواد بود، خصلت انتقام جویی به همان نسبت شدید و خشن و نامناسب می شد و هر اندازه جامعه‌ای با سواد و پیشرفته و تکامل یافته و افکار عمومی آن به میزانی از رشد رسیده بود، از تعصبات جاهلانه و انتقامجوییهای نابخردانه و حس افراط در مجازات و بخصوص از مجازات کودکان و افراد سالخورده که نقشی در جرم نداشتند، جلوگیری بعمل آمده و روحیه گذشت حاکم می گشت.

مرور زمان و نیاز جامعه سبب شد که افراد پراکنده در کنار هم گرد آمده و با تشکیل شهرنشینی و بوجود آمدن قدرت مرکزی و سپس توجه به منافع اجتماعی، موضوع جرم و مجازات از دیدگاه تازه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

سده‌های پانزدهم و شانزدهم، عقاید جدیدی در عرصه حقوق جزا پدیدار گشت و عرضه تفکرات ریشه دار اسلامی و پافشاری اندیشمندانی چون رازی، بوعلی سینا و ابن رشد اندولسی در ترویج افکار اخلاقی و معنوی اسلامی راه را برای فلاسفه هموار کرد تا افرادی چون ژان ژاک روسو، لمبروزو، گاروفالو و آنریکوفری در تهییج افکار عمومی علیه نظام جبار قرون وسطایی نقشهای بسزایی ایفاء نمایند.

در قرن هیجدهم سزار بکاریا با تدوین رساله جرائم و مجازاتها تاثیر بسزایی بر حقوق فرانسه و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر گذارد. بکاریا معتقد بود کیفر بایستی سریع، علنی و متناسب با جرائم و به حکم قانون باشد. بعد از بکاریا مکاتب مختلفی پا به عرصه

حقوق کیفری نهادند و هر یک سعی در ارائه نظرهای خاصی در این زمینه نموده و مدتی افکار عمومی را صحنهٔ تاخت و تاز قرار داده و خود را بهترین پرچمدار برخورد با ظلم و ستم و مبارزه با بزهکاری معرفی می‌کردند. هر چند نمی‌توان نقش این مکاتب را در این امر انکار نمود، اما آنچه که در این زمان مشهود است اینکه در هیچکدام از این مکاتب توجه به مجنی علیه یا زیان دیده از جرم چندان مورد نظر نبوده بلکه بیشتر جرم و مجرم و عدالت را مورد بحث قرار می‌دادند.

با توسعه علوم جزائی و نیاز جامعه به نظم و امنیت و اینکه مکاتب پدید آمده بطور کامل و جامع آنچه را که برای تدوین یک سیاست جنایی مبتنی بر رعایت حقوق تمام انسانها اعم از مجرم و غیر مجرم مد نظر قرار نداده بودند در مکاتب جدیدی چون دفاع اجتماعی نوین توجه به وظیفه و حمایت دولت از کلیه افراد جامعه - من جمله زیان دیده از جرم - مورد تاکید قرار گرفت.

به این ترتیب برخلاف حقوق جزای کلاسیک که تنها به جرم و اجرای مجازات توجه داشت، در مکاتب جدید با طرح مسئله پیشگیری از وقوع جرم و توجه به شخصیت مجرم و مجنی علیه باب تازه‌ای در مباحث جزایی گشوده شد. در مکتب دفاع اجتماعی نوین در کنار مفاهیمی چون جرم زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی، بزه دیده شناسی نیز جای خاص خود را داشته و توجه به مجنی علیه و ارتباط او با جرم از یک طرف و مجرم از طرف دیگر و نیز حمایت از مجنی علیه در جهت جبران خسارت وارده به وی مورد تأکید قرار گرفته است.

امروزه در کنار جرم و مجرم و بزهکاری، مجنی علیه نیز مورد توجه قرار گرفته و در

نتیجه در تدوین قوانین جزایی در جهت صیانت جامعه و آزادیهای فردی و توجه به حقوق زیان دیده از جرم قدم برداشته می شود.

طبق اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند. بنابراین اگر فردی بدون مجوز قانونی مورد تعرض قرار گیرد می تواند متعرض را تعقیب و از مراجع صالح تقاضای مجازات نماید.

ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از موارد شروع تعقیب از سوی مراجع ذیصلاح را شکایت شاکی خصوصی یا مجنی علیه می داند. فردی که در نتیجه جرمی صدمه و آسیب می بیند این حق را دارد که برای جبران خسارت وارد به مراجع قانونی مراجعه نماید. وجود چنین حقی زیان دیده را بر آن می دارد که برای جبران صدمه های وارد شده قبل از هر چیزی از طریق دادخواهی اقدام نماید. قانون نحوه مراجعه و مراجع مربوطه را مشخص می نماید و همچنین که اجازه طرح شکایت را برای متضرر از جرم مجاز می داند برای او حقوقی را نیز در نظر گرفته است.

از جمله این حقوق می توان به گذشت او در جریان رسیدگی یا حتی بعد از صدور حکم قطعی اشاره نمود. این حق مسلم اوست و در فرایند کیفری هر زمان که بخواهد می تواند اعمال کند. بنابراین طبق ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره یک آن اگر این حق در جرائم قابل گذشت و قبل از صدور حکم اعمال شود موجب موقوفی تعقیب و رسیدگی شده و اگر بعد از صدور حکم باشد موقوفی اجرای آن را در پی خواهد داشت و اگر در جرائم غیر قابل گذشت و قبل از صدور حکم اعمال گردد طبق ماده ۲۲ قانون

اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از جهات محفّفه محسوب شده و دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری یا بازدارنده را تخفیف داده یا تبدیل به نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد و اگر گذشت بعد از صدور حکم قطعی صورت پذیرد طبق ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ محکوم علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات او تجدید نظر نماید و دادگاه مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف خواهد داد.

همانگونه که ملاحظه خواهیم کرد جرائم قابل گذشت در قوانین جزائی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی معین شده و مقنن شیوه احصاء قانونی را در این زمینه اعمال کرده بود. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این شیوه مورد توجه قرار نگرفته و مقنن برای تشخیص این نوع جرائم از مفاهیم حق الناس و حق... بهره جست که این در عمل موجب بروز مشکلات عدیده‌ای در تشخیص مصادیق آنها گردید که در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت. مقنن در قانون جزای عمومی سابق جرائم قابل گذشت را در ماده ۲۷۷ و برخی مواد دیگر احصاء نموده بود. ماده مذکور مقرر می‌داشت: "نظر به ماده ۶ اصول محاکمات جزایی که امکان تعقیب قسمتی از جرمها را موکول به شکایت مدعی خصوصی نموده است در مورد جرمهای مذکور در موادی که ذیلاً" معین است تعقیب جزایی شروع نمی‌شود مگر به تقاضای مدعی خصوصی و اگر مشارالیه شکایت خود را مسترد نمود تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد مگر اینکه متهم سابقاً" محکومیت جنحه یا جنایتی داشته باشد. در صورتیکه مدعی خصوصی شکایت خود را مسترد نماید دعوی خصوصی را فقط در محکمه حقوق می‌تواند اقامه بکند. مواد مزبور فوق از قرار ذیل است: قسمت اخیر ماده

خصوصی را فقط در محکمه حقوق می تواند اقامه بکند. مواد مزبور فوق از قرار ذیل است: قسمت اخیر ماده ۱۷۳، ماده ۱۷۴ و ... "که مواد مذکور در این ماده به قابل گذشت بودن جرائمی چون ایراد صدمه ای که موجب سلب قدرت کار کردن یا مرض نشود، ضرب و جرح غیر عمدی، هتک ناموس زنی به عنف و عمل منافی عفت به عنف غیر از هتک ناموس اشاره می نمود و یا بند ۵ تبصره ۲ ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری قابل گذشت بودن سرقت و خیانت در امانت و کلاهبرداری و جرائمی که در حکم آن است را مورد توجه قرار می دهد گرچه که بعداً" برخی از این جرائم بموجب آراء دیوانعالی کشور غیر قابل گذشت تلقی گشت.

دیوانعالی کشور نیز در احصاء جرائم قابل گذشت یا غیر قابل گذشت نقش بسزایی داشته و در آراء متعددی به این امر پرداخته است مثلاً "در رای شماره ۲۴ مورخ ۱۳۵۴ اعلام می دارد: "شکستن یک دندان نقص عضو تلقی نمی شود و قابل گذشت است" و در رای شماره ۱۲ مورخ ۱۳۶۴ جرم اهانت به کسانی که در سمت های دولتی در حال انجام وظیفه می باشند را غیر قابل گذشت معرفی می نماید و یا در رای وحدت رویه شماره ۵۳۰ مورخ ۱۳۶۸ مقرر می دارد: "در جرم سرقت اگرچه رضایت صاحب مال یا انصراف او از تعقیب شکایت در مراحل قبل از دادگاه و رفع الامرالی الحاکم موجب سقوط حد شرعی یا تعزیر می شود ولی از لحاظ اخلال در امنیت جامعه و سلب آسایش عمومی به مستفاد از فتوای حضرت امام رضوان اله تعالی علیه بشرح مسئله ۱۲ از مجموعه استفتائات دادگاه های کیفری که با این عبارت می باشد: اگر برای حفظ نظم لازم می داند (حاکم شرع) یا